

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۷

بررسی انار در اساطیر و بازتاب آن در ادب فارسی^۱

(ص ۳۷۴-۳۶۱)

پروانه عادل‌زاده^۲، کامران پشایی فخری (نویسنده مسئول)^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

بشر از قدیم‌الایام، از همان زمان که به هستی خود و نیازهایش پی برد و درصدد رفع آنها برآمد و متوجه دنیای پیرامونش شد با مفاهیم گل و گیاه و درخت آشنا گردید. چنانکه از تفاسیر اسلامی برمی‌آید آدم و حوا در پی وسوسه شیطان و نافرمانی از خدا و خوردن دانه گندم یا سیب از بهشت رانده میشوند. این بارزترین نمونه ارتباط آدمی با گیاه است و به دنبال آن آگاه از بی‌ستری و پناه بردن به نخستین پوشش یعنی برگهای درخت انجیر، بر طبق روایات معتبر. گویی آدمی با بیرون شدن از بهشت جهالت بسوی معرفت تدریجی گاه بر میدارد و در این مسیر متوجه گیاهان و جانوران از منظری ژرفتر میشود. گلها و گیاهان از خاک برمی‌آیند و به خاک بر میگرددند شاید همین هم‌ذات-پنداری سبب شده باشد که او گیاهان را همچون خود دارای قدرتی خاص دانسته و بخاطر ویژگیها و خواص عجیب آنها، آنان را شایسته تقدس نیز بداند. در این مقاله «انار» از دیدگاه اساطیر و باورهای عامیانه بررسی شده و بازتاب آن در آیینها و فرهنگ ایران زمین تبیین میگردد، سپس جایگاه و کاربرد آن در پهنه ادب فارسی مورد مذاقه قرار میگیرد. همانگونه که در متن مقاله به تفصیل بیان شده است انار جایگاه خاصی در ادب فارسی دارد و در فرهنگهای مختلف، نماد فراوانی، برکت و جاودانگی است و شاید همین امر یکی از دلایل تقدس آن باشد چراکه بیمرگی از آرزوهای دیرین بشر است.

کلمات کلیدی: انار، اسطوره، گیاهان مقدس، شعر فارسی

مقدمه

^۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز میباشد.

^۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

^۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز pashayikamran@gmail.com

از همان تمدنهای آغازین، گلها و گیاهان علاوه بر تامین خوراک آدمی، بعنوان دارو، پوشش، لوازم آرایش و رنگ مورد استفاده قرار می‌گرفتند. برخی از این گیاهان نقش بارزی در زندگی بشر داشته‌اند و از دیرزمان تکریم میشدند. برخی با مقدّسات بشری گره خورده‌اند و برخی زبان روح آدمی گشته‌اند و بار احساساتش را بر دوش کشیده‌اند.

از جمله در همه فرهنگها، گلها معانی خاص خود را دارند و مردم برای ابراز منویات خود از زبان گلها سود می‌بردند بی‌آنکه نیازی به کلامی یا نوشته‌ای باشد بطور مثال گل سرخ، عنصر مهمی در زبان گلهاست که در میان فرهنگها و ملل مختلف معنای عشق را در خود نهفته دارد. از قدیم‌الایام شاید همزمان با پیدایش آدمی بر کره خاکی، گل و گیاه و درخت با زندگی بشری درهم آمیخته و این تنیدگی تا بحدی است که نمیتوان آدمی را بدون آن تصور نمود چرا که در مراحل کمالی آفرینش نیز بشر از مرحله جمادی به نباتی و از آن به مرحله حیوانی و انسانی سیر کرده است.

آنجا که از اولین خوراک آدمی و نخستین پوشش وی در بهشت و قبل از هبوط به عالم خاکی سخن می‌رود، این پیوستگی و وابستگی بخوبی نمایان میشود. بشری که هبوطش با میوه یا گیاه ممنوعه گره می‌خورد. گویی پناه بردن به درختان و از آن جمله درخت کیهانی یا هزار تخمه چه به لحاظ اساطیری و باورهای قومی، چه به جهت باورهای عامیانه و خرافی یا حتی از جهت تامین امنیت و سلامت جسمیش، همه و همه او را دوباره به بهشت گم‌شده‌اش بازخواهدگرداند. در هر حال از همان ایام آغازین، گیاهان و درختان جایگاه خاصی در اذهان و باور مردمان داشته‌اند. باورهای خرافی و عامیانه‌ای که هم‌اکنون نیز در میان اقوام و ملل مختلف دیده میشود ناشی از همان ناخودآگاه جمعی است. کهنترین نیاکان ما همه‌گونه گیاه را می‌خوردند و به مرور زمان به آرام‌بخش بودن یا مرگبار و سمی بودن آن پی می‌بردند و آثار غریب آن را بوضوح مشاهده می‌کردند. پایه‌پای پیشرفت عقاید انسان در مورد خدایان، ارواح، مرگ و زندگی، نیک‌بختی و بدفرجامی، آدمی به معرفتی رازگونه دست می‌یابد و به قدرت درونی گیاهان پی می‌برد.

قدرتی که گاه آن را قابل ستایش میکند و به مقام الوهیت میرساند و آن را شایسته دخیل بستن و عرض حاجت میکند و گاه آن را برای جادو و جادوگری مناسب می‌سازد. هرچه هست این است که قدرتی در آن مکتوم است.

در این مقاله پس از معرفی و ذکر خواص انار به بررسی آن از دیدگاه اساطیری و فرهنگ عامه می‌پردازیم و سپس با مذاقه در اشعار شاعران پارسی‌گوی، چگونگی کاربرد و نقش و جایگاه این میوه بهشتی در فرهنگ و ادب فارسی تبیین میشود چرا که شاعران و نویسندگان نیز برای بیان افکار و احساسات خود همواره به مام طبیعت متوسل شده و از آن بعنوان ابراز تشبیه، استعاره، نماد و سمبل سود جستند.

«انار یکی از میوه‌هایی است که از قدیم وجود داشته و در کتب مقدس چندین بار نام آن ذکر شده است. درخت انار بومی ایران و مناطق مجاور آن است. کلمه انگلیسی (pome granate) از زبان یونانی مشتق شده که به معنی «سیب با هسته‌های زیاد» می‌باشد. درخت انار، درخت کوچکی است که ارتفاع آن تا شش متر میرسد و در مناطق نیمه گرمسیری می‌روید. شاخه‌های آن کمی تیغدار و برگ‌های آن متقابل، شفاف و ساده است. گل‌های انار، درشت و به رنگ قرمز اناری ولی بی‌بوست. میوه آن کروی با اندازه‌های مختلف دارای پوستی قرمز رنگ یا زردرنگ می‌باشد.» (مجموعه گیاهان دارویی، ۱۳۹۲: ۸)

میوه انار سرد و تر و قابض است. آب انار سرد و تر و پوست انار سرد و خشک و بسیار قابض می‌باشد. پوست ریشه درخت انار از بقیه قسمت‌های این درخت قابضتر است. کلیه قسمت‌های درخت انار دارای «تان» می‌باشد که بسیار قابض است. برای مصارف دارویی از گل، برگ، پوست درخت، پوست ریشه و دانه انار استفاده می‌شود. (همان: ۹-۸)

انار در آیینها و ادیان الهی

از دیرباز انار در میان مردم جهان بعنوان میوه‌ای مقدس شناخته شده است. تقدس این میوه در میان پیروان ادیان اله کاملاً مشهود است. در دین اسلام بنا به بشارت خداوند در بهشت نیز انار یافته می‌شود. در قرآن کریم سه بار از این میوه نام برده شده است. از جمله در سوره انعام آیات شریفه ۹۹ و ۱۴۱ و سوره الرحمن آیه شریفه ۶۷. میوه انار از دید مسلمانان مقدس و بهشتی می‌باشد و خوردن آن توسط ائمه معصومین (علیهم السلام) و بزرگان دین توصیه شده است.

در تورات نیز چندین بار از انار یاد شده است. در آیین یهود تعداد بذرها داخل یک میوه انار ۶۱۳ عدد است. هریک برای یکی از ۶۱۳ فرمان کتاب مقدس.

در آیین بودا، از انار، انگور و انجیر بعنوان میوه‌های پربرکت نام برده می‌شود.

در آیین مسیحیت نیز انار از تقدس خاصی برخوردار است. «انار بعنوان یک نماد مسیحیت موجب رستاخیز و جاودانگی بوده است و از این رو عیسی در کودکی اناری در دست داشت. انار در نزد عیسویان نماد عفاف هم بشمار میرفت.» (فرهنگ اساطیر و داستانونه‌ها در ادب فارسی، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

ارتباط انار با مسیحیت و عیسی (ع) به همینجا ختم نمی‌شود و نمادگرایی باروری آن را کاملاً معنوی میدانند. «عرفان مسیحی، نمادگرایی باروری انار را در زمینه روحانی می‌بیند و به اینگونه است که یوحنا صلیبی از دانه‌های انار را نماد کمال اله می‌بیند، چرا که کمال اله اثرهای بی‌شمار در بردارد و گردی انار را نشانگر ابدیت اله و گوارایی آب آن را نماد نشئه روح مهربان و آگاه می‌خواند.» (فرهنگ نمادها، ۱۳۸۸: ۲۵۱)

«بر حسب آنچه در انجیل آمده، سلیمان پادشاه، باغی از انار داشته است. همچنین وقتی بنی-اسرائیل در بیابانهای برهوت سرگردان بودند، بخاطر از دست دادن آسایش خود در مصر غصه میخوردند و آرزومند انارهای خنک بودند.» (انار درمانی، ۱۳۸۶: ۵)

همچنین انار در دین مزدیسنا از درختان مینوی و از عناصر مقدس و خجسته بشمار میرفت و زرتشتیان شاخه و میوه آن را در مناسک و آیینهای دینی خود بکار میبردند. بنابر متنهای متاخر زرتشتی، برسمی که زرتشتیان در آیینهای عبادی در دست دارند از ترکه‌های درختان اناری است که معمولاً در آتشکده‌ها میکاشتنند.

براساس موارد ذکر شده میتوان به ارتباط انار با کلیساهای، معابد و آتشکده‌ها پی برد. گویی هر جا که سخن از عبادت و نیایش و مقدسات است ردپای این میوه مقدس را هم میتوان دید. ظاهری یکپارچه که در دل خود دانه‌های فراوان را جای داده است. وحدتی در عین کثرت که خود ارتباط نزدیکی با دیدگاههای عرفانی دارد.

انار در اساطیر: مردم دوران باستان گیاهان یا درختانی را که میپنداشتند ایزد یا الهه‌ای آن را کاشته یا از خون الهه یا قهرمانی اسطوره‌ای یا حماسی روئیده است، مقدس میشمردند.

«میوه انار نزد قدیمیان بعنوان سمبل تولید مثل و عشق شمرده میشد. بنابر افسانه‌های قدیم، این درخت از خون اوژستیس بوجود آمد و در بعضی از نواحی آسیای باستان، گاه بعنوان خدای جوان در حال مرگ بنام ریمون نامیده میشد. چنانچه اعراب نیز به انار، رمان میگویند. بنابر اساطیر یونانی، آفرودیت، رب النوع عشق، درخت انار را به دست خود در جزیره قبرس کاشت و از ریختن خون دیو نوسوس که او را باکوس هم خوانده‌اند، درخت انار سربرآورد.» (انار درمانی، ۱۳۸۶: ۵)

این نوع روئیدن گیاه در اساطیر یونان یادآور برآمدن گیاه «پرسیاوشان» یا «خون سیاوشان» در اساطیر ایرانی است که به گفته فردوسی از فرو ریختن خون سیاوش بر زمین پدیدآمده است.

«دانه‌های انار، در میان اقوام مدیترانه‌ای، خاور نزدیک، هندوستان و نقاط دورتر، بصورت یک نماد گسترده باروری و فراوانی درآمده است. انار نشانه الهه‌های یونانی دمتر، پرسفونه و هرا بود و تصور میرفت که بیدارکننده غریزه جنسی و موجب آبستنی است. از اینرو آن را با الهه‌های باروری مربوط میدانستند. به پرسفونه قبل از عزیمت از سرزمین هادس (جهان فرودین) یک دانه انار داده شد. این امر بازگشت ادواری او را به جهان فرودین و دوره آینده مرگ و تولد مجدد طبیعت تامین کرد.» (نشانه‌های مناسک گذر، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

نمادگرایی انار در میان اقوام و ملل جهان

نمادگرایی انار در ارتباط با نمادگرایی کلیتر میوه‌هایی با دانه‌های بسیار است. از جمله میوه‌هایی چون پرتقال و بالنگ و کدو و هندوانه. انار نماد باروری و اولاد و اعقاب بسیار است. «در آسیا تصویر انار شکسته، نشان دهنده آرزوست.» (فرهنگ نمادها، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

«در چین، نماد باروری است و در نقاشیهای روی سفالها دیده میشود. تصویری از انار که برای نشان دادن دانه‌هایش آن را گشوده‌اند، بعنوان هدیه‌ای مردم‌پسند در عروسیها تقدیم میشود که حاکی از آرزوی زایش و داشتن فرزند است.» (فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها در ادبیات فارسی، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

نمادگرایی انار در میان مردم جهان بوضوح میتوان دید. مصریان فرعونهای خود را با انار دفن میکردند گویا این موضوع نیز به باروری و زایش دوباره مربوط میباشد و کاربرد انار در آیین و مناسک دینی آن‌ها گویای جاودانگی و باززایی میباشد.

همچنین با توجه به این امر که یونانیان انار را غذای مورد علاقه خدایان میدانستند، شاید بتوان دفن فرعونهای مصر را نشان اعتقاد آنان به حیات پس از مرگ و تغذیه مرده از آن دانست.

علاوه بر موارد مذکور، اشارات دیگری نیز به جایگاه نمادین این میوه در یونان و روم شده است. از جمله «در یونان باستان، انار یکی از مختصات هرا و آفرودیت بوده است. در روم تاج سر عروسان از شاخه‌های انارین فراهم میشده است» (فرهنگ نمادها، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

شاید شباهت ظاهری انار به سینه زنان و پردانه بودن آن سبب شده است که افسانه‌های گوناگونی مربوط به باروری انار در میان مردم جهان شایع شود. انار را درختی مونت دانسته‌اند که در آن رمز و نشانه جاودانگی و باروری نهفته است. «انار را بیدار کننده غریزه جنسی و موجب آبستنی دانسته‌اند. بنابراین ربط آن با الهه‌های باروری روشن است.» (فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها در ادب فارسی، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

در بسیاری از فرهنگها انار بعنوان یک میوه افسانه‌ای برای بشر مطرح بوده است. در افسانه‌های یونانی بعنوان نماد ازدواج پایدار است. این میوه در برخی نقاشیهای معروف اروپایی نیز دیده میشود. در هنر سرامیک چینی، انار نماد باروری، فراوانی، آینده پربرکت و فرزندان زیاد و نیکو میباشد. نمادگرایی مربوط به باروری این میوه را میتوان در میان ملل جهان مشاهده کرد. «در هند زنان برای برطرف کردن نازایی آب انار مینوشند.... همچنین در گابون، این میوه نماد باروری مادرانه است.» (فرهنگ نمادها، ۱۳۸۸: ۲۵۱)

انار در افسانه‌های ایرانی

واژه انار به دلیل قدمت آن در لابلای افسانه‌ها نیز راه یافته است و دنیایی از واقعیات و خیالات را به همراه خود دارد. در قصه‌های پریان، دختر شاه پریان از میوه درختی و غالباً درخت انار بیرون می‌آید. در نمایشنامه «دختر انار» نیز به همین مسئله برمیخوریم. «دختر انار» افسانه‌ای است که در آن دختری طلسم شده و در درون اناری زندگی میکند. این افسانه که در ادبیات شفاهی رشته کوه زاگرس ریشه دارد، از پیکر اسطوره جدا شده است. چرا که در باورهای اساطیری نیز به پیدایش آدمی از گیاه، بارها اشاره شده است.

افسانه‌ها از دیرباز، زبان گویای مردم در بیان اعتقادات و باورهای آنها بوده‌اند که آرزوهای آنان را به صورتی نمادین و پر رمز و راز بیان کرده‌اند. نمایشنامه «دختر انار» نیز چنین خصوصیتی را داراست. این نمایشنامه که بقلم «اردشیر صالح‌پور» نوشته شده و به کارگردانی «حسن حاجت‌پور» بر روی صحنه آمده باور گیاه‌تباری انسان را در خود نهفته دارد، باوری که در بخش‌های مختلف جهان از جمله آلمان، یونان، روم، هند، مالزی، اسکانداوی و غیره میتوان یافت. در ایران نیز انسان نخستین از آدم کوکی یا مهرگیاه (نوعی ریواس) که ریشه در اسطوره مشی و مشیانه دارد، بوجود آمده است. علاوه بر این نمایشنامه که افسانه‌های گوناگونی درباره انار در ایران وجود دارد. «سید احمد وکیلان در کتاب «قصه‌های مردم» و «علی اشرف درویشیان» و «رضا خندان مهابادی» در فرهنگ افسانه‌های مردم ایران در این خصوص افسانه‌هایی را ذکر کرده‌اند. افسانه «انار پری» درباره حاکمی است که با دیدن خوابی عجیب آنقدر گریه میکند تا اینکه چشم‌هایش نابینا میشود یا افسانه‌هایی از جمله «انار وکولی» و «انار خاتون» و افسانه دختران انار نیز در همین منابع نقل شده است که همه نشان از اهمیت انار در میان مردم و جایگاه آن در باورهای عامیانه دارد.

انار در باورها و آیینهای ایرانی

انار بخاطر دانه‌های فراوان، نشانه باروری است و براساس یک سنت کهن که در میان برخی اقوام رایج میباشد، عروس، اناری بر زمین میاندازد تا بترکد و دانه‌هایش روی زمین پخش شود. تعداد دانه‌های پخش شده نمایانگر این است که او چند فرزند به دنیا خواهد آورد. همچنین زرتشتیان در آیین پیوند همسری دختران و پسرانشان، با آرزوی باروری و بچه‌دار شدن به آنان انار میدهند و انار را به نشانه پیمان زناشویی در سفره میگذارند. همچنین زرتشتیان به هنگام انجام آیینهای دینی، چوب انار را میسوزانند. بی‌سبب نیست که بر سفره نوروزی نیز شاخه‌ای از انار گذاشته میشد و آن را خوش یمن گمان میبردند. تقدس انار در ایران بحدی بوده است که نشانه‌هایی از آن امروزه نیز در مراسم شب یلدا دیده میشود که حامل برکت و تقدس برای زندگی نو میباشد. «امروزه هم تک‌درخت انار نزدیک امام‌زاده‌ها و بالای تپه‌ها مقدس است و به آن دخیل می‌بندند». (فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها در ادبیات فارسی، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

در گیاه‌اللغات آمده است: «خوردن انار یاسین (اناری که در عید نوروز ۴۰ یا صد بار سوره یس بر آن خوانده و دمیده باشند) را تداوم‌بخش تندرستی در طول سال می‌پنداشتند». «گویند هر که آن را بی‌مشارکت غیری بخورد تمام سال از امراض جسمی در امان باشد» (لغت‌نامه دهخدا به نقل از گیاه‌اللغات و آندراج).

همین باور مردمی در مورد انار یاسین رابطه آن را با سفره هفت‌سین و جاودانگی تولد و نوزایی نشان میدهد و خوردن آن نیز حاکی از خواسته دیرین بشری همان پیرسالی و دیرمانی است. براساس

همین باورهاست که رد پای این گوهر زمستانی (انار) را در مناسک گذر نیز مییابیم. مناسک سه گذر اصلی (تولد، ازدواج و مرگ) با این میوه مرتبط میباشند.

اعتقاد بر این است که برگزاری مناسک گذر، زندگی کهنه را با زندگی نو پیوند میدهد و بطور قابل ملاحظه‌ای هراس این گذر را میکاهد.

از همان ابتدای شکل‌گیری جنین این میوه در تعیین جنسیت تاثیر دارد. چرا که در کتابهای پزشکی بعنوان نسخه کمک به انتخاب جنسیت مذکر مطرح شده است. «مصرف میوه‌های ترشی نظیر انار توسط زنان که برای قلیایی شدن خون آنها مفید است باعث می‌گردد هنگام نزدیکی خون و سایر مایعات بدن زن قلیایی شود و کروموزومهای پسرزا باقی بمانند». (اناردرمانی، ۱۳۸۶: ۷۲)

انار را در مناسک گذر ازدواج نیز میبینیم. از مناسک مربوط به ازدواج میتوان به پرتاب انار توسط داماد اشاره کرد.

«استقبال داماد از عروس در خانه خود در روستاها و شهرهای کوچک که عموماً خانه‌ها مستقل و دارای حیاط است، با انداختن سیب، انار، سکه و نقل از پشت بام بر سر عروس صورت می‌گیرد.» (نشانه‌شناسی مناسک گذر، ۱۳۹۰: ۹۸)

«دامادهای بعضی از مناطق ایران به جای سیب وحدت و عشق، تکه‌های انار را که مظهر بیماری، کثرت در وحدت، باروری درازمدت و اولاد بیشمار و با تقوی و با آینده‌ای پر از شادی است، به عروس خود نثار میکنند.» (همان: ۹۹)

چنانکه پیش‌تر اشاره شد مصریان فرعونان خود را با انار دفن میکردند. نوع دیگری از کاربرد نمادین انار را در مورد آیینهای مربوط به مرگ در ایران میتوان دید. آمیختن آدمی با گیاه مقدس و گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر نوعی تضمین رویش و تجدید حیات است. قراردادن چوب زیر بغل در کنار یا زیر کتف مرده از جمله رسمهایی است که در برخی نقاط ایران صورت می‌گیرد.

«دو ترکه تر و تازه از چوب خرما یا بید یا انار یا درختی دیگر، که به آنها جریدتین میگفتند، یکی در زیر بازوی راست و یکی در زیر بازوی چپ مرده می‌گذاشتند تا در هنگام سوال در قبر بتواند به آنها تکیه کند. (از خشت تا خشت، ۱۳۴۸: ۲۵۱)

در کتاب «نشانه‌شناسی مناسک گذر» ارتباط این چوبها با مرده بخوبی تبیین شده است.

«در بیان علت برای قراردادن چوب زیر بغل در کنار مرده‌ها، برای زمانه‌ای که در آن، معنا و مفهوم ارتباط بین درخت گیاه و انسان از میان رفته است، تعلیلی عامه‌پسند یا قابل استدلال نیاز است. کسانی که این کار را میکنند معتقدند که این چوب زیر بغل، مرده را برای بلند شدن هنگام پاسخ دادن به نکیر و منکر کمک خواهد کرد. اما چنین بنظر میرسد، فکر قراردادن چوب زیر بغل نمادین در کنار مرده بیش از آنکه به منظور استفاده ابزاری از آن باشد، ریشه در ارتباط اساطیری و آغازین انسان و گیاه دارد و بیانگر باروری است دیرینه مبنی بر پیوند اسرارآمیز میان انسان و درخت، زاده

شدن انسان از تنهٔ درخت، پذیرا شدن درخت، روان مردگان را، ارتباط باروری انسان و درخت و امثال آن، تا بتواند منجر به رویش دوباره یا تجدید حیات شخص مرده شود.» (نشانه‌شناسی مناسک گذر، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

بازتاب انار در فرهنگ و ادب فارسی

در فرهنگ ایران، انار به لحاظ رنگ سبز تند، برگهایش که در مذهب شیعه از اهمیت خاصی برخوردار است و همچنین بجهت شکل غنچه و گل انار و رنگ آن که شباهت عجیبی به آتشدان دارد همواره مورد تقدیس بوده است. قصه‌ها و مثلها و چیستانها و باورهای گوناگونی در مورد آن در میان عامه شهرت دارد. نامگذاری برخی از انواع انار گاهی بعلت استفادهٔ آن در مراسمی خاص و گاه به علت شکل ظاهری آن بوده است از جمله میتوان به انواع زیر اشاره کرد.

سوری: سور به معنی جشن و مهمانی است و نوعی میوهٔ انار که در قدیم پیروان دین زرتشت در مراسم و جشن عروسی از آن استفاده میکردند. (انار در ایران، ۱۳۷۷: ۱۸۴)

گبری: به اقلیت زرتشتی در یزد اصلاً گبر یا گور میگویند. وارفته‌هایی از انار که پوست قرمز و زیبا دارند و در مراسم جشنها مورد توجه آنها (گبرها) بوده است بنام انار گبری مشهور هستند. (همان: ۱۸۸)

نام‌گذاری دو نوع انار مذکور، شاهی است بر ارتباط این میوهٔ مقدس با دین زرتشتی. از انواع دیگر انار در ایران که نامگذاری خاص و جالبی دارد میتوان به «خاتونی» یا «خانمی» یا «آمنه خاتونی» اشاره کرد که به جهت محبوبیت این نوع انار در میان خانمها چنین نامگذاری شده است. «از وارفته‌های انار در استانهای اصفهان و یزد میباشد که میوه آنها از قدیم‌الایام مورد پسند خانمها بوده است.» (همان: ۱۸۰)

نوع دیگری از انار به «پنجه‌عروس» شهرت دارد که به جهت شباهت رنگ قرمز حنایی آن با انگشتان خضاب شده نوعروسان چنین نام گرفته است. از انواع دیگر انار که رابطهٔ خاصی با ادبیات تغزلی دارد، میتوان به انار «لیلی» اشاره کرد که به آن «دختر حمومی» نیز گفته شده است. «دختر حمومی نوعی انار در پیشوای ورامین میباشد که میوهٔ آن پوستی بسیار زیبا دارد. لطافت و قشنگی میوه موجب انتخاب این نام شده است. در شهرستان سبزوار آن را لیلی گویند.» (همان: ۱۸۱)

نمود انار را به صورتهای گوناگون در متون تغزلی، حماسی و مذهبی و عرفانی میبینیم. از جمله میتوان به انار فرهاد و رمان‌العابدین اشاره کرد. در بیستون درخت اناری روییده بود که آن را «انار فرهاد» مینامند. «گویند چون فرهاد از شنیدن خبر فوت شیرین تیشه بر سر خود زد، دسته تیشه خون‌آلود شد و از کوه بر زمین افتاد و سر آن بر زمین نشست و چون تیشه از چوب انار بود، سبز شد و درخت انار بهم رسید و انار آن را چوب باز کنند، اندرون آن سوخته و خاکستر شده باشد.» (فرهنگ ادبی گیاهان، ۱۳۸۷: ۴۴)

نظامی در خسرو و شیرین به این امر اشاره دارد:

«مهندس دسسته پلاد تیشه
ز بهر آنکه باشد دستگیرش
چوبش‌نیداین سخنه‌های جگرتاب
سنان‌درسنگ‌رفت و دسسته در خاک
از آن دسسته برآمد شوشه نار
از آن شوشه کنون گر نار یابی

ز چوب نار تر کردی همیشه
به دست اندر بودفرمان پذیرش
فراز کوه کرد آن تیشه پرتاب
چنین گویند خاکی بود نمناک
درختی گشت و بارآورد بسیار
دوای درد هر بیمار یابی
(خسرو و شیرین نظامی، ۱۳۸۴: ۳۴۱)

در رساله قشیریه در باب کرامات ابراهیم ادهم از رمان‌العابدین یاد شده و چنین آمده است که: «محمدبن‌المبارک‌الصوری گوید (که) با ابراهیم ادهم بودم اندر راه بیت‌المقدس. وقت قیلوله اندر زیر درخت انار فرود آمدم و رکعتی چند نماز کردیم و آوازی شنیدیم از آن درخت که یا اباسحاق ما را کرامی کن و از این بار من چیزی بخور. ابراهیم سر در پیش افکند. تا سه بار چنین بگفت. پس این درخت گفت یا محمد شفاعت کن تا از بار من چیزی بخورد. گفتم یا اباسحاق میشنوی؟ برخاست دو نار باز کرد. یکی بخورد و یکی به من داد بخوردم ترش بود و آن درختی کوتاه بود. چون بازگشتم (و) آن جا فرارسیدیم (آن) درخت (نار)، بزرگ شده بود و نار وی شیرین و در هر سالی دو بار برآوردی و او را رمان‌العابدین نام کردند. عابدان در سایه او شدند» (رساله قشیریه، ۱۳۸۷: ۶۶۲)

علاوه بر موارد اشاره شده انار در متون اساطیری حماسی ایران نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. رابطه انار با اسفندیار در شاهنامه نمونه بارزی از آن است.

«وز آن پس بدادش به اسفندیار
بخورد و تنش گشت چون سنگ و روی
از آن یشنه خویش یک دانه نار
نبد کارگر هیچ زخمی به روی
(شاهنامه، ۱۳۸۵: ۲۳۵)

ماجرای رویین‌تنی اسفندیار براساس اسطوره میباشد و تجسم و سمبل آرزوهای بیمرگی بشر در طول حیات خویش است. «هرچند رویین‌تنی اسفندیار محققاً معلوم نیست و روایات مختلفی پیرامون آن در دست است، اما روایات شفاة در باب رویین‌تنی او وجه اساطیری بیشتری دارد و روایات مکتوب وجه عقلا‌نیش می‌چربد». (روایتی دیگر از رویین‌تنی اسفندیار در شاهنامه، ۱۳۷۹: ۱۰۴-۹۵)

بنا به روایت «زراتشت‌نامه» که روایت خود را از ماخذ کهنتری گرفته است. زرتشت پیامبر چهار ماده متبرک به چهار تن میدهد که هر یک موهبتی خاص دارد. شراب به گشتاسب، بوی گل به جاماسب و انار به اسفندیار و شیر به پشوتن داده میشود. «به عقیده موله ایرانشناس فقید لهستانی-فرانسوی، این مواد مبین طبقات چهارگانه اجتماعی در ایران باستانند. شراب نماینده پیشه سلطنت، بوی

نماینده پیشه روحانی، انار نماینده جنگاوری و شیر نماینده کشاورزی و دامداری». (داستان داستانها، ۱۳۸۰: ۱۴۷-۱۴۸)

رنگ و شکل ظاهری انار همواره مورد توجه شاعران و ادیبان بوده است و به شیوه‌های گوناگون در قالب تمثیل، تشبیه، استعاره، ضرب‌المثل و سمبل کاربرد داشته است.

ضرب‌المثلهایی مربوط به انار وجود دارد. مثلاً رخسار گلگون و برافروخته و گل انداخته را به انار و گل انار تشبیه میکنند و میگویند: گونه‌اش مثل انار سرخ شد. یا کسی که از شنیدن خبری گریه کند، میگویند مانند انار ترکید و به گریه افتاد. همچنین یک نار و ده یا صد یا هزار بیمار، به نشانه بیماران فراوان یا کمبود دارو بیان شده است.

«ناصر خسرو» از میوه انار در شعر خود برای ارسال مثل بهره جسته است. آنجا که می‌گوید:

نار چو بیمار تویی خود بخور
عرضه مکن بر دگران نار خویش
(دیوان ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۸۷)

در امثال و حکم دهخدا این بیت با مثلهای «اول خویش پس درویش» و «ای حکیم اول نصیحت گوی نفس خویش را» (امثال و حکم دهخدا، ج چهار، ۱۳۸۸: ۱۷۸۲) معادل شده است.

در ادب فارسی بارها به نار یاسین نیز اشاره شده است. از جمله صائب در بیت زیر چنین می‌گوید:

سیب غبغب اگر به دست افتد
بهتر از صد انار یاسین است
(دیوان صائب، ۱۳۷۵: ۱۰۸۳)

سالک قزوینی نیز در بیت زیر آورده است:

گزند بوسه اغیار برنمیتابد
که گفت سیب ذقن کم ز نار یاسین است
(سالک قزوینی بنقل از آندراج)

کنایات مختلفی با بهره جستن از این میوه در ادب فارسی شکل گرفته است. مثلاً «ناردانه فرو باریدن از چشم، کنایه از سرازیر شدن قطرات اشک میباشد. در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» آنجا که رامین در فراق معشوقه بیتابی میکند، چنین می‌خوانیم:

چو رامین دید جای دوست بی‌دوست
چو ناری بشکفید اندر تنش پوست
فروبارید چشمش ناردانه
چو قطره باده ریزان از چمانه
(ویس و رامین، ۱۳: ۲۴۲)

همچنین گاه شعرا با باریک‌بینی و ظرافت خاصی به کنایه از ناردانه و ناردانه دو نیم یاد کرده‌اند. «ناردانه دو نیم» کنایه از لب و دهان محبوب میباشد که «ادیب صابر» در ابیات زیر به آن اشاره دارد.

مرا بگوی در آن ناردانه به دو نیم
چگونه تعبیر کردی دو رسته دُر یتیم
به تیغ عشق، دلم را همی دو نیمه کند
دو رسته دُر تو زان ناردانه به دو نیم
(دیوان ادیب صابر، ۱۳۴۳: ۱۲۸)

شبهات ظاهری انار به سینه زن سبب شده است که بطور کنایی از آن در اشعار عاشقانه و تغزلی استفاده شود مثلاً در شعر زیر «نار تر» کنایه از پستان میباشد.

«گاه بر سیب ساده سود انگشت
گه درآورد نار تر در مشیت»
(هشت بهشت، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

گاه نیز انار با صفاتی همراه شده و در اشعار شاعران نمود مییابد. مثلاً «نار خندان» در شعر زیر به معنی انار رسیده و از هم باز شده میباشد.

«نار خندان باغ را خندان کند
صحبت مردانست از مردان کند»
(مثنوی معنوی، ۱۳۶۰، دفتر یکم: ۴۵)

«همچون انار خندان، عالم نمود دندان
در خویش مینگنجد، از خویشتن برآرش
(دیوان شمس، ۱۳۸۵: ۵۴۸)

در شعر نظامی گنجوی نیز نار را بصورت ترکیب «ناربا» به معنی آش انار میبینیم.

«زیربایی به زعفران و شکر
ناربایی ز زیربایا خوشتر»
(هفت پیکر، ۱۳۶۳: ۲۵۸)

شاعران بارها از انار بعنوان مشبهه استفاده نموده اند و اغلب در این تشبیهات، انار و سیب با هم همراه بوده اند. شاید این همراه به جهت رنگ این دو میوه و شکل ظاهری آنها باشد.

در ابیات زیر علاوه بر کاربرد انار و سیب از باب تشبیه همراه این دو میوه قابل توجه است.

دندان به دل فشار در این باغ چون انار
بویی اگر زیست زخندان آرزوست
(حدیقه سنایی، ۱۳۷۴: ۹۵۸)

در دلم صد عقده خونین، گره شد چون انار
تا چو به، گرد خط آن سیب زخندان را گرفت
(دیوان صائب، ۱۳۷۵: ۶۸۷)

چنانکه در این مقاله بدان بارها اشاره شد، انار رمز تولد دوباره و نوزایی و جاودانگی است. مولانا جلال الدین بلخی نیز مرگ ظاهری و فنای جسمانی را رسیدن به بقا و نوزایی میدانند و در بیت زیر مرگ و شکافتن جسم را به شکستن انار و سیب تشبیه کرده است.

کشتن و مردن که بر نقش تن است
چون انار و سیب را بشکستن است
(مثنوی معنوی، دفتر یکم، ۱۳۸۴: ۷۰۷)

البته صائب نیز مضمونی نزدیک به همین بیت را در شعر خود به نوعی دیگر بیان کرده است. آنجا که آدمی را از افسردگی و دون همتی بر حذر میدارد و به تلاش، تکاپو و از خودگذشتگی فرا میخواند، چنین میسراید:

چند باشی همچو خون مرده پنهان زیر پوست؟
همتی کن، پوست را بشکاف بر خود چون انار
(دیوان صائب، ۱۳۷۵: ۳۶۱۵)

در دیوان شمس «شراب انار» به جای آب انار بکار رفته است که مقابل شراب بنفشه قرار گرفته است:
خمار دردسرت از شراب مرگ شناس مده شراب بنفشه، بهل شراب انار
(دیوان شمس، ۱۳۸۵: ۴۹۲)

انار در تشبیهات گوناگون نمود دارد گاه به صورت تشبیهات مفرد و گاه به شکل تشبیه مرکب. در بیت زیر دل به انار ترش و شیرین تشبیه شده است.

دل را چو انار ترش و شیرین خون بسته و دانه دانه دیدم
(همان: ۶۷۳)

صائب تبریزی در بیت زیر مشبه مرکب را به انار (مشبه مفرد) تشبیه کرده است
دل‌های همچو بیضه فولاد پردلان گردید شق ز هیبت شمشیر، چون انار
(دیوان صائب، ۱۳۷۵: ۳۵۶۸)

انوری نیز در بیتی انار را به «درج» و دانه انار را به «لولو» و گل نار را به «یاقوتین جام» تشبیه میکند:
گل نار است درخشنده چو یاقوتین جام دانه نار چو لولو و چو در جست انار
(دیوان انوری، ۱۳۷۶: ۱۸۷)

گاه نیز شکل گرد و مدور انار سبب شده است که آن را بی سر خوانند. سنایی از این امر بخوبی بهره برده و برای بیان مضمون باریک اخلاقی (بی‌سری معادل با بی‌ادعایی و فروتنی) آن را بکار برده است:

بی‌سری مرتو را سر آرد بار درج پردر ز بی‌سری است انار
(حدیقه سنایی، ۱۳۷۴: ۱۲۶)

نتیجه‌گیری؛

بر اساس باورهای اساطیری و عامیانه، انار سمبل باروری و باززایی و جاودانگی است. هر جا که زندگی است انار نیز جایی برای خود باز کرده است همراه او با آدمی از ابتدای خلقت تا بازگشت به منزل ابدی، گویای نوعی قداست است تا حدی که گاه آن را به مقام الوهیت نیز می‌رساند. اگر در باورهای اساطیری در آفرینش نخستین بشر دست داشته است، اکنون بر اساس مستندات علمی، در تعیین جنسیت دخیل است، اگر به نشانه جاودانگی و بيمرگی و باززایی به همراه مرده دفن میشد، اکنون بر مقتضای یافته‌های پزشکی در بهبود بسیاری از بیماریها نقش مهمی ایفا میکند، به بهبود فعالیت قلب و کبد کمک میکند و عوارض بیماریهای خطرناکی چون ایدز را کاهش میدهد و از بروز آلزایمر در دوران پیری جلوگیری میکند و باریگر بشر در درمان بسیاری از بیماریهای خاص دیگر میباشد. همین موارد نشانگر این است که تقدس اساطیری این گیاه و رمزناکی آمیخته با الوهیت آن، دلایل علمی متقنی دارد که بشر نخستین از درک آن علل عاجز بوده است و تنها توانسته است به یاری آیینها و مناسک اساطیری، این نیروی بارور برکت‌بخش را به خدمت گیرد تا از طریق آن به

جاودانگی رسد. چراکه آرزوی دیرین بشر جاودانگی و بی‌مرگی است. اگر از قدیم‌الایام انار در تابلوهای نقاشی مشهور جهان بعنوان عنصر جادویی و اسرارآمیز میبینیم در واقع تجسم ناخودآگاه جمعی بشر است که در باورهای یک نقاش جان گرفته و بر صفحه نقاشی به تصویر درآمده و رنگ پذیرفته است. این میوه مقدس در ادب فارسی نیز بوفور توسط شاعران و ادیبان بکار رفته است. این کاربرد بیشتر از جهت رنگ و شکل ظاهری آن میباشد که اغلب در اشعار تغزلی و رمانتیک نمود یافته است و جنبه اساطیری آن در شعر فارسی بندرت بازتاب دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ادیب صابر ترمذی، دیوان اشعار، به تصحیح محمدعلی ناصر، ۱۳۴۳، انتشارات علمی، تهران.
- ۳- اسلامی ندوشن، محمدعلی، داستان‌داستان‌ها، ۱۳۸۰، انتشارات آثار.
- ۴- امیر قاسمی، مینو- حاجی‌لو، فتانه، نشانه‌شناسی مناسک گذر، ۱۳۹۰، انتشارات ستوده، تبریز.
- ۵- انوری، دیوان اشعار
- ۶- آیدنلو، سجاد، روایتی دیگر از رویین تنی اسفندیار در شاهنامه، فصلنامه هستی، زمستان ۷۹.
- ۷- بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد، کلیات دیوان شمس تبریزی، بکوشش دکتر ابوالفتح حکیمیان، نشر پژوهش، ۱۳۸۵.
- ۸- بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، بسعی و اهتمام و تصحیح رینولد نیکلسون، ۱۳۶۰، انتشارات مولی، تهران.
- ۹- بهزادی، شهربابکی، حبیب، پراکندگی و تنوع ارقام انار در ایران، ۱۳۷۷، نشر آموزش کشاورزی
- ۱۰- حکیم نظامی گنجوی، هفت پیکر، با تصحیح و تحشیه حسن وحید دستگردی، ۱۳۶۳، انتشارات علمی، تهران.
- ۱۱- حکیم نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، بر اساس متن آکادمی علوم شوروی، انتشارات ققنوس. ۱۳۸۴. تهران
- ۱۲- حکیم مجدودبن‌آدم سنایی غزنوی، حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه. ۱۳۸۴. تهران
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر، امثال حکم، ۱۳۸۸، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۱۴- دهلوی، امیر خسرو، هشت بهشت، ۱۳۸۴ تهران.
- ۱۵- شوالیه، ژان- آلن گر برات، فرهنگ نمادها، ۱۳۸۷، ترجمه و تحقیق، سودابه فضایی، نشر جیحون.
- ۱۶- صائب تبریزی، دیوان اشعار بکوشش محمد قهرمان، ۱۳۸۵ تهران
- ۱۷- عادل‌زاده، پروانه،- پاشایی فخری، کامران، فرهنگ ادبی گیاهان، ۱۳۸۷، نشر مولی علی، تبریز.

- ۱۸- قبادیانی، حکیم ناصر خسرو، دیوان اشعار، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. ۱۳۸۲. تهران
- ۱۹- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، رساله قشیریه به تصحیح بدیع الزمان فروزان فر، ۱۳۸۷، نشر زوار، تهران.
- ۲۰- کنیری، محمود، از خشت تا خشت، ۱۳۴۸، موسسه تحقیقات و مطالعات علمی، تهران.
- ۲۱- گرگانی، فخرالدین اسعد، ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، نشر فخر رازی، تهران.
- ۲۲- مقصودی، شهرام، اناردرمانی، ۱۳۸۶، نشر علوم کشاورزی، چاپ یکم.
- ۲۳- همراه، حامد- لاجوردی، سید محمدحسین، مجموعه گیاهان دارویی، ۱۳۹۲، انتشارات بافرزانگان، تهران
- ۲۴- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و داستانوناره‌ها در ادب فارسی، ۱۳۸۶، نشر فرهنگ معاصر، تهران.